

بررسی تطبیقی حدیث منزلت از نگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت*

ایلقار اسماعیل زاده**

چکیده

یکی از اعتقادات اصیل و مستدل ما این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از خود فرد یا افرادی را به عنوان جانشینان خود معرفی نموده است. در قرآن کریم و نیز در سنت نبوی صلی الله علیه و آله برای اثبات این مدعا ادله متعدد و بی شماری وجود دارد. یکی از ادله مهم در مورد اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام و یا به عبارت درست تر اثبات حقانیت رهبری امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، حدیث صحیح و متواتر «منزلت» است که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام را نسبت به خود همانند نسبت هارون علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام تشبیه نموده است. این نوشتار، حدیث مزبور را به نحو تطبیقی بررسی کرده است.

واژه‌های کلیدی: حدیث منزلت، صدور روایت، امام علی علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام، اهل سنت.

فصل اول) نگاهی به منابع حدیثی

حدیث منزلت در بسیاری از کتب حدیثی، تاریخی، تفسیری و... اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت موجود است و تعداد قابل توجهی از آنها از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت صحیح و قابل اعتمادند، در عین حال این حدیث از احادیث متواتر به حساب می آید. در این فصل به منابع و کتب مذاهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت مراجعه می کنیم و از هر یک از آنها نمونه هایی را ارائه خواهیم داد.

الف) حدیث منزلت در منابع مذهب اهل بیت علیهم السلام

حدیث منزلت در منابع مختلف حدیثی مذهب اهل بیت علیهم السلام موجود است که در اینجا به نقل چند مورد از آنها اکتفا می کنیم:

۱. ابوالنضر محمد بن مسعود بن عیاش السمرقندی (م ۳۲۰ ق) در تفسیر خود از امام باقر علیه السلام نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم پس از اعلان ولایت و رهبری علی بن ابی طالب علیه السلام چنین فرمود: «فانه منی و انا منه و هو منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي»^۱ او [علی] از من است و من از او هستم و او نسبت به من مانند نسبت هارون به موسی است؛ جز اینکه پس از من هیچ پیامبری نیست.

۲. شیخ صدوق (م ۳۸۵-۳۸۱ ق) از امام علی علیه السلام نقل می کند که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسى غير انه لا نبي بعدي»^۲ یا علی! مثل تو نسبت به من مانند مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من پیامبری نیست.

۳. شیخ طوسی (م ۳۸۵-۴۶۰ ق) از جابر بن سمره نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي»^۳ نسبت تو به من مانند نسبت هارون به موسی است، جز اینکه پس از من پیامبری نیست.

شیخ طوسی رحمته الله همچنین از ابوالطفیل نقل می کند که امام علی علیه السلام در جلسه شورا (انتخاب خلیفه پس از عمر بن خطاب) خطاب به حاضران فرمود: «فانشدکم بالله هل فیکم احد قال له رسول الله صلی الله علیه و آله انت منی بمنزلة هارون من موسى غیری؟ قالوا: اللهم لا...»^۴ شما را به خدا قسم می دهم که آیا در بین شما غیر از من کسی هست که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره او چنین فرموده باشد؛ تو نسبت به من مانند نسبت هارون به موسی هستی؟ حاضران گفتند: نه.

۴. شیخ علی بن ابراهیم قمی و نیز به نقل از ایشان علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) در کتاب خود نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از مهاجرت به مدینه در بین مسلمانان صیغه اخوت خواند.

طهری

نسخه - شماره ۲۵ - بهار ۱۳۸۷

از بین مسلمانان امام علی علیه السلام تنها ماند و دچار غم شدید شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «... انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي.»^۵ حضرت علی علیه السلام نیز پس از شنیدن سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله خوشحال شد.

۵. سیدهاشم البحرانی (م ۱۱۰۹ق) در کتاب خود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ تبوک حضرت علی علیه السلام را (در مدینه) جانشین خود ساخت و به امام علی علیه السلام فرمود: «الا ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي.»^۶

ب) حدیث منزلت در منابع اهل سنت

حدیث منزلت، علاوه بر منابع و کتب مذهب اهل بیت علیهم السلام، در منابع حدیثی، تاریخی و... اهل سنت نیز به وفور پیدا می شود که در اینجا به ذکر چند نمونه از آنها اکتفا می کنیم:

۱. ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) در کتاب خود از ابراهیم بن سعد، او هم از پدرش چنین نقل می کند: حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «اما ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى؟»^۷

بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) در حدیث دیگر از سعد نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جنگ تبوک از مدینه خارج شد و علی را در شهر مدینه جانشین خود قرار داد. علی علیه السلام گفت: آیا مرا در میان بچه ها و زنان می گذاری؟ حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الا ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى؟ الا انه ليس نبي بعدي.»^۸

۲. ابوالحسن مسلم بن الحجاج النیشابوری (۲۰۶-۲۶۱ق) در کتاب خود از سعد بن ابی وقاص نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام را در جنگ تبوک [در مدینه] جانشین خود قرار داد و حضرت علی علیه السلام گفت: یا رسول الله! آیا مرا در میان زنان و بچه ها می گذاری؟ حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اما ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى؟ غير انه لا نبي بعدي.»^۹

۳. حافظ ابو عبدالله محمد بن یزید القزوینی (ابن ماجه ۲۰۷-۲۷۵ق) در سنن خود از ابو وقاص نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «الا ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى؟»^{۱۰}

۴. ابو عیسی محمد بن عیسی الترمذی (۲۰۹-۲۹۷ق) در کتاب خود از سعد بن ابی وقاص نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «انت منى بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي.»^{۱۱}

وی در ذیل این حدیث می گوید: «هذا حديث حسن صحيح؛ این حدیث حسن [و] صحیحی است.»

۵. حافظ عمرو بن ابی عاصم الضحاک الشیبانی (م ۲۸۷ق) در کتاب خود از جابر بن عبدالله نقل می کند که

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «الا ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى؟»^{۱۲}

وی در حدیثی دیگری از اسماء بنت عمیس نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ به حضرت علی علیه السلام فرمود: «انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي»^{۱۳}

ع حافظ احمد بن شعیب النسائی (۲۱۵-۳۰۳ق) در کتاب خود از عبدالله بن عباس نقل می‌کند که مسلمانان همراه رسول خدا ﷺ از مدینه جهت جنگ تبوک خارج شدند. حضرت علی علیه السلام به پیامبر ﷺ گفت: آیا من هم همراه شما خارج شوم؟ حضرت پیامبر ﷺ فرمود: نه، حضرت علی علیه السلام نیز با شنیدن این جواب گریه کرد و رسول خدا ﷺ به او فرمود: «اما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسى؟ الا انك لست بنبي ثم قال: انت خلیفتی - یعنی فی کل مومن - من بعدی»^{۱۴} آیا خشنود نیستی که مثل تو نسبت به من مانند مثل هارون نسبت به موسی باشد؟ جز اینکه [پس از من] تو پیامبر نیستی. سپس فرمود: تو پس از من جانشین و خلیفه من (بر هر مؤمن) هستی.

۷. حافظ ابو عبدالله الحاکم النیسابوری (۴۰۵ق) در کتاب خود از سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ هنگام خروج برای جنگ تبوک خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: «الا ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبوة بعدی»^{۱۵}

حاکم نیشابوری در ذیل این حدیث می‌گوید: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه بهذه السیاق؛ این حدیث بر اساس شرایط بخاری و مسلم در اخذ حدیث صحیح، صحیح می‌باشد، ولی آن دو این حدیث را با این سیاق در کتب خود نقل نکرده‌اند»^{۱۶}

چنان که ملاحظه می‌شود، حدیث منزلت در مهم‌ترین منابع حدیثی مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت نقل شده است. تعداد قابل توجهی از این احادیث که در منابع مختلف مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت موجود می‌باشد، صحیح و مورد اعتماد بوده و در عین حال به حد تواتر نیز رسیده است. قابل ذکر است، تعداد منابع و کتبی که در آنها حدیث منزلت نقل شده است، بیش از اینهاست، ولی ما به جهت رعایت اختصار به همین مقدار از منابع اهل سنت اکتفا نمودیم.

فصل دوم) راویان حدیث منزلت از صحابه و محل صدور آن

در این بخش ابتدا نگاهی به راویان حدیث منزلت می‌کنیم و سپس محل صدور این حدیث را از دیدگاه مذهب اهل بیت و اهل سنت مورد بررسی قرار خواهیم داد:

راویان حدیث منزلت از صحابه

حدیث منزلت را تعداد قابل توجهی از اصحاب و یاران رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند که از جمله آنها افراد ذیل هستند:^{۱۷}

۱. سعد بن ابی وقاص؛ ۲. معاویه؛ ۳. حبشی بن جناد؛ ۴. جابر؛ ۵. ابوسعید الخدری؛ ۶. سعد بن مالک؛ ۷. اسماء بنت عمیس؛ ۸. عبدالله بن عمر؛ ۹. ابن ابی لیلی؛ ۱۰. مالک بن الحویرث؛ ۱۱. علی بن ابی طالب علیه السلام؛ ۱۲. عمر بن الخطاب؛ ۱۳. عبدالله بن عباس؛ ۱۴. ام سلمه؛ ۱۵. عبدالله بن مسعود؛ ۱۶. انس بن مالک؛ ۱۷. زید بن ارقم؛ ۱۸. ابویوب؛ ۱۹. ابورد؛ ۲۰. جابر بن سمره؛ ۲۱. البراء؛ ۲۲. ابوهریره؛ ۲۳. زید بن ابی اوفی؛ ۲۴. نبیط بن شریط؛ ۲۵. فاطمه بنت حمزه.

محل صدور حدیث منزلت

معروفترین محل صدور حدیث منزلت در جایی بوده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال نهم هجرت هنگام ترک مدینه، علی بن ابی طالب علیه السلام را جانشین خود در شهر قرار داد و خود همراه سی هزار نفر رزمنده جهت برخورد و جنگ احتمالی با روم شرقی که نیروهای خود را در نوار مرزی شام برای مقابله با نفوذ اسلام مستقر کرده بود، عازم سفر شد.^{۱۸}

علی بن ابی طالب علیه السلام که در کنار صفات برجسته تقوا، زهد، ایمان راسخ و... رزمنده و جنگ‌آور شجاعی بود، از ماندن در مدینه ناراحت شد و گریه کرد. اما رسول خدا صلی الله علیه و آله به او دلداری داد و چنین فرمود: آیا خشنود نمی‌شوی که مثل تو نسبت به من، مثل هارون نسبت به موسی باشد؟ جز اینکه پس از من پیامبری نیست؟! امام علی علیه السلام نیز رضایت خود را با این سخن اعلام داشت و در مدینه ماند.

قسمتی از روایات مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت صرفاً محل صدور حدیث منزلت را درباره همین موضوع بیان می‌کند. ولی این همه مطلب نیست و طبق ادله و روایات موجود در منابع مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت، حدیث منزلت علاوه بر جنگ تبوک در موارد دیگری نیز از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است. در اینجا نگاهی گذرا به موارد دیگر می‌کنیم و آنها را از دیدگاه منابع مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت خواهیم شمرد:

محل صدور حدیث منزلت از دیدگاه منابع مذهب اهل بیت علیهم السلام

۱. هنگام عزیمت به جنگ تبوک

همان‌گونه که گذشت، یکی از موارد صدور حدیث منزلت زمانی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله جهت رفتن به جنگ تبوک، حضرت علی علیه السلام را در مدینه جانشین خود قرار داد و هنگامی که ناراحتی او را مشاهده نمود، همین حدیث منزلت را بیان فرمود. ما به جهت نقل این روایات در فصل اول از تکرار آن در اینجا خودداری می‌کنیم.^{۱۹}

۲. هنگام برگشت از حجة الوداع و در غدیر خم

یکی دیگر از موارد صدور حدیث منزلت در جایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام برگشتن از

آخرین مراسم حج خود، از طرف خداوند متعال مأمور به ابلاغ ولایت و رهبری علی بن ابی طالب علیه السلام پس از خود شد و آن حضرت پس از بیان این مطلب، در ادامه سخنان خود، حدیث منزلت را بیان فرمود^{۲۰} که نمونه این سخن نیز در فصل اول گذشت.

۳. روز نامگذاری امام حسن مجتبی و امام حسین علیه السلام

شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ق) در کتاب خود از زید بن علی نقل می کند که هنگام تولد امام حسن مجتبی علیه السلام و نیز هنگام تولد امام حسین علیه السلام، رسول خدا ﷺ همراه امام علی علیه السلام قصد نامگذاری آنها را داشتند که جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت ﷺ نازل شد و پس از تهنیت، این سخن الهی را به اطلاع رسول خدا ﷺ رساند: «و قل له: ان علیاً منك بمنزلة هارون من موسى؛ به پیامبر بگو که: همانا مثل علی نسبت به تو مثل هارون نسبت به موسی است...» و سپس اسم آنها را بیان کرد: امام حسن علیه السلام را با نام پسر هارون [یعنی شبیر] که همان حسن باشد و امام حسین علیه السلام را به نام پسر دیگر هارون [یعنی شبر] که همان حسین است، نامگذاری فرمود.^{۲۱}

۴. حدیث خطاب شده به ام المؤمنین ام سلمه

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) از عبدالله بن عباس نقل می کند که رسول خدا ﷺ خطاب به ام سلمه چنین فرمود: «یا ام سلمه! علی منی و انا من علی لحمه لحمی و دمه [من] دمی و هو منی بمنزلة هارون من موسى یا ام سلمه! اسمعی و اشهدی هذا علی سید المسلمین؛^{۲۲} ای ام سلمه! علی از من است و من از علی هستم، گوشت او گوشت من، خون او [از] خون من است. مثل او نسبت به من، مثل هارون نسبت به موسی است. ای ام سلمه! بشنو! و شاهد باش که این علی سرور مسلمانان است.»

همان گونه که ملاحظه می کنید، این روایت هیچ ربطی به مسئله جنگ تبوک و جانشینی آن حضرت ﷺ در مدینه ندارد.

۵. بیان حدیث منزلت در منا

عمادالدین طبری (م ۵۵۳ق) در کتاب خود از عبدالله بن عباس نقل می کند که رسول خدا ﷺ در منا در جمع مسلمانان فرمود: «معاشر الناس! هذا علی بن ابی طالب سید العرب و الوصی الاکبر، منزله منی منزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدی...»^{۲۳} ای مسلمانان! این علی بن ابی طالب علیه السلام سرور عرب و جانشین بزرگ تر است. مثل او نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است جز اینکه بعد از من پیامبری نیست.»

۶. بیان حدیث منزلت در حجة الوداع (قبل از غدیر خم)

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتاب خود از عمر بن سلمه و سلمه بن سلمه نقل می کند که رسول خدا ﷺ در حج [وداع] چنین فرمود: «علی یعسوب المؤمنین و المال یعسوب الظالمین علی اخی و مولی المؤمنین من بعدی و هو منی بمنزلة هارون من موسى الا ان الله تعالى ختم النبوة بی فلا نبی

بعدي و هو الخليفة في الاهل و المؤمنين بعدى؛^{۲۴} علی رهبر و پیشوای مؤمنان است و مال [دنیا] پیشوای ستمکاران است. علی برادر من و مولای مؤمنان بعد از من است. مثل او نسبت به من، مثل هارون نسبت به موسی است. جز اینکه همانا خداوند متعال پیامبری را به وسیله من ختم نموده است و پس از من هیچ پیامبری نیست. او [علی بن ابی طالب] پس از من در مورد خانواده [من] و مؤمنان، جانشین [خلیفه] است.»

۷. بیان حدیث منزلت در روز برادری

پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ پس از هجرت به مدینه، بین مهاجرین و انصار عقد اخوت بست و آنها را برادر دینی و شرعی یکدیگر قرار داد. آن حضرت ﷺ بین یکایک مسلمانان عقد اخوت بست، ولی علی بن ابی طالب علیه السلام را ترک نمود. امام علی علیه السلام نیز از این مسئله بسیار غمگین شد و گفت: یا رسول الله! مرا با هیچ کس برادر نکردی! رسول خدا ﷺ نیز او را با سخنان بی‌نظیر خود دل‌داری داد و فرمود: من تو را برای خود نگاه داشته‌ام. سپس فرمود: «و انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبي بعدي؛ مثل تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من هیچ پیامبری نیست.» امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز از این سخنان شاد و خوشحال شد.^{۲۵}

۸. بیان حدیث منزلت هنگام فتح خیبر

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب خود از جابر بن عبدالله نقل می‌کند هنگامی که امام علی علیه السلام در [روز] فتح خیبر حضور رسول خدا ﷺ رسید، آن حضرت فرمود: «...و لكن حسبك ان تكون مني و انا منك ترثني و اترك و انك مني بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبي بعدي؛^{۲۶} برای تو همین کافی است که تو از من باشی و من از تو باشم، تو از من ارث ببری و من از تو ارث ببرم و همانا مثل تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من هیچ پیامبری نیست.»

همچنین در مورد محل صدور حدیث منزلت، موارد دیگری (مثل روز مباحله و ...) نیز گفته شده است.^{۲۷} چنان که ملاحظه می‌شود، حدیث منزلت از دیدگاه منابع مذهب اهل بیت علیه السلام تنها مربوط به قضیه جنگ تبوک نبوده، بلکه این حدیث در جاها و موارد دیگری نیز توسط رسول خدا ﷺ بیان شده است.

محل صدور حدیث منزلت از دیدگاه منابع اهل سنت

با وجود اینکه دانشمندان اهل سنت حدیث منزلت را معمولاً مرتبط با قضیه جنگ تبوک می‌دانند، ولی اگر در منابع حدیثی اهل سنت تتبع بیشتری شود، بیان این حدیث در غیر جنگ تبوک برای همگان روشن خواهد شد.

اما ابتدا در این مورد ذکر یک روایت مناسب است. ابن مغازلی (م ۴۸۳ق) در کتاب خود از سعید بن مسیب نقل می‌کند که سعد ابن ابی وقاص گفت: رسول خدا ﷺ در جنگ [تبوک علی‌السلام] را در مدینه جانشین خود قرار داد و [فرمود]: «انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي...» مثل تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من پیامبری نیست.

سعید بن مسیب می‌گوید: از سعد بن ابی وقاص پرسیدم: «انت سمعت هذا من رسول الله ﷺ؟ آیا تو این سخن را از رسول خدا ﷺ شنیده‌ای؟» سعد بن ابی وقاص در جواب گفت: «نعم، لامرّة و لامرّتين يقول ذلك لعلی ﷺ»^{۲۸} آری، نه یک مرتبه و نه دو مرتبه که [پیامبر خدا ﷺ] این سخن را به علی ﷺ می‌فرمود.

از این روایت به خوبی روشن می‌شود که رسول گرامی اسلام ﷺ حدیث منزلت را تنها در یک مورد و آن هم در قضیه جنگ تبوک بیان نکرده، بلکه در موارد مختلف و متعدد آن را فرموده است. البته ممکن است برخی از دانشمندان این حدیث را نپذیرند و مثلاً در اسناد آن ایجاد شک و تردید کنند. اما آنها نباید فراموش کنند که این حدیث در منابع اهل سنت و توسط امثال ابن مغازلی شافعی (م ۴۸۳ق) و دیگران نقل شده است.

از طرف دیگر، اگر به منابع حدیثی اهل سنت توجه بیشتر شود، صحت سخن سعد بن ابی وقاص برای همه آشکار خواهد شد که در اینجا برخی از آن موارد را می‌آوریم.

۱. هنگام عزیمت به جنگ تبوک

با توجه به اینکه در این مورد احادیثی را در فصل اول همین بحث ذکر کرده‌ایم، از تکرار آنها در اینجا خودداری می‌کنیم.^{۲۹}

۲. حدیث سد الابواب (بستن درها)

در منابع حدیثی و تاریخی آمده است که منازل تعدادی از اصحاب رسول خدا ﷺ به جهت مجاورت به مسجد النبی ﷺ به داخل آن مسجد شریف درهایی داشت. رسول خدا ﷺ یک روز طبق دستور الهی بسته شدن همه درها - به جز در خود و در علی بن ابی طالب ﷺ - را به اطلاع اصحاب خود رساند و غیر از آن دو در، همه درها بسته شد و صاحبان آن خانه‌ها دیگر از طریق مسجد به خانه‌های خود ورود و خروج نداشتند.

در همین زمینه شیخ سلیمان قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ق) در کتاب خود به نقل از موفق بن احمد خوارزمی و او نیز از جابر بن عبدالله نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ [در جریان همین مسئله] خطاب به امام علی ﷺ فرمود: «یا علی! انه یحیل لك فی المسجد ما یحیل لی، و انك منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي»^{۳۰} یا علی! همانا [انجام دادن] هر چیزی که در مسجد برای

من حلال است برای تو هم حلال می‌باشد و همانا مثل تو نسبت به من، مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من پیامبری نیست.»

۳. روز نامگذاری امام حسن و امام حسین علیهما السلام

شیخ سلیمان قندوزی حنفی و دیگر دانشمندان اهل سنت در کتب خود از اسماء نقل می‌کنند؛ هنگامی که فاطمه علیها السلام امام حسن علیها السلام و سپس [پس از شش ماه] امام حسین علیها السلام را به دنیا آورد، رسول خدا ﷺ در گوش راست آنها اذان و در گوش چپ آنها اقامه گفت و سپس فرمود: «جاءني جبرائيل فقال: يا محمد ان ربك يقرئك السلام و يقول لك: ان علياً منك بمنزلة هارون من موسى...»^{۳۱} جبرائیل پیش من آمد و گفت: یا محمد! همانا پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: همانا مثل علی نسبت به تو مثل هارون نسبت به موسی است...».

طبق این روایت، آن حضرت ﷺ بر اساس دستور الهی، امام حسن را «حسن» [شیر] و اسم امام حسین را «حسین» [شیر]، نام دو فرزند هارون نهاد.

۴. حدیث خطاب شده به ام‌المؤمنین ام‌سلمه

موفق بن احمد الخوارزمی الحنفی (م ۵۶۸ق) و دیگر علمای اهل سنت در کتب خود نقل کرده‌اند که عبدالله بن عباس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «هذا علي بن ابي طالب لحمه لحمي و دمه دمي و هو مني بمنزلة هارون من موسى غير انه لا نبي بعدي. يا ام سلمة! اشهدي و اسمعي هذا علي امير المؤمنين و سيد المسلمين»^{۳۲} گوشت این علی بن ابی طالب گوشت من و خون او خون من است و مثل او نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من پیامبری نیست. ای ام‌سلمه! شاهد باش و بشنو که این علی رهبر مؤمنان و سرور مسلمانان است.»

۵. بیان حدیث منزلت در حال اتکا به حضرت علی علیهما السلام و دست زدن به شانه آن حضرت

علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵) در کتاب خود از عبدالله بن عباس نقل می‌کند که عمر بن خطاب گفت: «كنت انا و ابوبكر و ابو عبيدة ابن الجراح و نفر من اصحاب رسول الله ﷺ و النبي ﷺ متكى على علي بن ابي طالب ، حتى ضرب بيده على منكبه ثم قال: انت يا علي! اول المؤمنين ايماناً و اولهم اسلاماً» ثم قال: انت مني بمنزلة هارون من موسى و كذب علي من زعم انه يخبني و يفضك»^{۳۳} من و ابوبکر و ابو عبیده بن جراح و تعدادی از اصحاب پیامبر خدا ﷺ [با هم بودیم] و رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب تکیه نموده بود که با دست خود بر شانه او زد و سپس گفت: یا علی! تو از جهت ایمان و اسلام اولین مؤمنان هستی. سپس گفت: مثل تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است و کسی که گمان می‌کند مرا دوست دارد، اما تو را دشمن می‌دارد، به من دروغ بسته است.»

۶. بیان حدیث منزلت در روز برادری

چنان که قبلاً اشاره شد، رسول خدا ﷺ در بین مسلمانان عقد اخوت بست و آنها را برای

یکدیگر برادر دینی و شرعی نمود.

موفق بن احمد الخوارزمی الحنفی (م ۵۶۸ق) و ابن صباغ المالکی (م ۸۵۵ق) در کتب خود نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ در بین مهاجرین و انصار عقد اخوت خواند، ولی علی بن ابی طالب علیه السلام را تنها گذاشت و او را با کسی برادر ننمود. امام علی علیه السلام نیز از این موضوع سخت ناراحت شد و غمگین گشت و رسول خدا ﷺ او را دلداری داده و چنین فرمود: «اما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي [لیس بعدی نبی].»^{۳۴}

و نیز طبق روایت موفق بن احمد الخوارزمی و علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵ق) از زید بن ابی اوفی، رسول خدا ﷺ در مسجد خود بین مسلمانان عقد اخوت را اجرا نمود و علی بن ابی طالب علیه السلام تنها ماند و او را با کسی برادر ننمود. وقتی امام علی علیه السلام از این موضوع به رسول خدا ﷺ شکایت کرد، آن حضرت علیه السلام فرمود: «و الذي بعثني بالحق ما اخرجك الا لنفسی و انت منی بمنزلة هارون من موسى غير انه لا نبي بعدي...»^{۳۵} قسم به خدایی که مرا به حق به پیامبری برگزید، من تو را فقط برای خود نگاه داشتم و مثل تو نسبت به من، مثل هارون نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من پیامبری نیست.

همچنین موفق بن احمد الخوارزمی (م ۵۶۸ق) از محدوج بن زید الالهانی نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ بین مسلمانان عقد اخوت را خواند و سپس فرمود: «يا علی انت اخی و انت منی بمنزلة هارون من موسى غير انه لا نبي بعدي.»^{۳۶}

۷. بیان حدیث منزلت در روز فتح خیبر

موفق بن احمد الخوارزمی (م ۵۶۸ق) در کتاب خود روایت می‌کند هنگامی که علی بن ابی طالب علیه السلام جهت فتح خیبر حضور رسول خدا ﷺ رسید، رسول خدا ﷺ به او فرمود: اگر سخن نصاری درباره عیسی در مورد تو گفته نمی‌شد، در شأن تو سخنی را می‌گفتم که مردم از خاک زیر پای تو بر می‌گرفتند و از آن استسفا می‌کردند... سپس فرمود: «ولكن حسبك ان تكون منی و انا منك ترثنی و اتركك و انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي...»^{۳۷} لیکن درباره تو همین بس که تو از من هستی و من از تو هستم، تو از من ارث می‌بری و من از تو ارث می‌برم، و مثل تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من هیچ پیامبری نیست.

۸. بیان حدیث منزلت در جمع اصحابی که در مسجد خوابیده بودند

موفق بن احمد الخوارزمی (م ۵۶۸ق) در کتاب خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که ما [جمعی از اصحاب] در مسجد خوابیده بودیم [و علی بن ابی طالب نیز همراه ما بود]. در این هنگام رسول خدا ﷺ آمد... و فرمود: «تعال یا علی! انه يحل لك في المسجد ما يحل لي الا ترضی ان

طهر

تكون منى بمنزلة هارون من موسى الا النبوة؛^{۳۸} یا علی! برخیز که همانا هر چیزی که انجام آن در مسجد برای من حلال است، برای تو نیز حلال می‌باشد، آیا خشنود نیستی که مثل تو نسبت به من مثل هارون نسبت به موسی باشد مگر پیامبری؟»

گفتنی است که منابع اهل سنت درباره بیان حدیث منزلت در موارد دیگر، چند مورد دیگر (مانند بیان آن در روز جنگ بدر و ...) نیز ذکر کرده‌اند.^{۳۹}

فصل سوم) منظور از تشبیه حضرت علی علیه السلام به هارون علیه السلام چیست؟

پس از توضیحات و بیان مطالب مربوط به حدیث منزلت، اکنون در این بخش منظور از تشبیه علی بن ابی طالب علیه السلام به هارون علیه السلام را بررسی خواهیم کرد. ابتدا جهت روشن شدن این مطلب به آیات نورانی قرآن کریم مراجعه و نسبت هارون علیه السلام به موسی را روشن می‌کنیم. او از پیامبران الهی است که به سوی قوم بنی‌اسرائیل و جهت مبارزه با طاغوت زمان، فرعون و اطرافیان او فرستاده شد.^{۴۰}

اما در مورد مهم‌ترین ویژگیهای هارون علیه السلام و نسبت او به موسی علیه السلام ذکر چند آیه ذیل مناسب است:

۱. حضرت موسی علیه السلام وقتی مأمور به رفتن به پیش طاغوت زمان (یعنی فرعون) شد، به درگاه خداوند متعال چنین عرض کرد: «... واجعل لی وزیراً من أهلی هارون اخي اشد به ازری و اشركه فی امری»^{۴۱} [پروردگارا] وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را، با او پشتم را محکم کن و او را در کارم شریک ساز.»

۲. خداوند متعال در جایی دیگر در این مورد می‌فرماید: «ولقد آتینا موسی الکتاب وجعلنا معه أخاه هارون وزیراً»^{۴۲} و ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم؛ و برادرش هارون را وزیر [یاور] او قرار دادیم.»

۳. همچنین خداوند متعال درباره حضرت موسی و هارون علیه السلام چنین می‌فرماید: «هو واعدنا موسی ثلاثین ليلة وأتممناها بعشر فتم ميقات ربه أربعين ليلة وقال موسی لأخيه هارون اخلفني فی قومی وأصلح ولا تتبع سبیل المفسدين»^{۴۳} و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب [دیگر] تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب میعاد پروردگارش [با او] چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش و [آنها را] تا اصلاح کن و از روش مفسدان پیروی نکن!»

همان‌گونه که از آیات ذکر شده به دست می‌آید، هارون علیه السلام نسبت به حضرت موسی علیه السلام دارای مقام وزارت و جانشینی بوده است. ولی واژه «وزارت» نیاز به توضیح بیشتر دارد که در اینجا آن را به طور فشرده بیان می‌کنیم:

راغب اصفهانی (م ۴۲۵ق) واژه «وَزَر» را به معنای ملجأ (و محل برگشت) و واژه «وُزَر» را به معنای ثقل و سنگین معرفی نموده است. همچنین «وزارت» را به معنای تحمل کننده سنگینی امیر خود و شغل می گیرد.^{۴۴} خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ق) وزیر و وزارت را به معنای تحمل سنگینی پادشاه و کمک کردن به او به واسطه رأی و نظر دانسته است.^{۴۵} همچنین شیخ علی بن محمد مشهور به ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ق) در این زمینه می گوید: کلمه وزیر مشتق از یکی از معانی ذیل است:

۱. از ماده «وَزَر» و به معنای سنگینی است. بنابراین، منظور از واژه وزیر، کسی است که سنگینی را از شخصی بر می دارد و کار را بر وی سبک می کند.

۲. از ماده «وُزَر» و به معنای مرجع و ملجأ (جایگاه برگشت) است. بنابراین، منظور از آن کسی است که دیگری به رأی و نظر و معرفت او رجوع می کند و از او کمک می گیرد.

۳. از ماده «أَزَر» و به معنای پشت است که بدن به وسیله آن قوی و محکم می شود.^{۴۶}

به هر حال، کلمه وزیر بر شخصی اطلاق می شود که دیگری [پادشاه، رهبر و ...] در اداره امور بر او تکیه می کند و از او کمک می گیرد و در صورت نبود او، وزیر اداره امور را به دست می گیرد و جانشین او محسوب می شود. بنابراین، منظور از تشبیه امام علی بن ابی طالب علیه السلام به هارون علیه السلام نیز به خوبی روشن می شود و آن معرفی امام علی علیه السلام به عنوان جانشین و رهبر امت اسلامی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

نکته قابل توجه اینکه برخی از دانشمندان بیان و صدور حدیث منزلت را صرفاً به قضیه جنگ تبوک منحصر می کنند و نتیجه می گیرند که رسول خدا صلی الله علیه و آله همانند حضرت موسی علیه السلام برای خود جانشین قرار داده است و این به هیچ وجه رهبری امام علی علیه السلام را نمی رساند. از طرف دیگر، رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفرهای خود به خارج از مدینه افراد دیگری را نیز به عنوان جانشین خود در مدینه مشخص کرده اند، در حالی که هیچ کس رهبری آنها را ادعا نکرده است. استاد فقه و اصول در دانشکده شریعت کشور قطر، دکتر علی احمد السالوس در این مورد می گوید:

حدیث [مربوط به قضیه تبوک و حدیث منزلت] توسط بخاری، مسلم و دیگران نقل شده است و بدون شک این حدیث دلالت بر فضل امام [علی] - کرم الله وجهه می کند. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیگران [هنگام جنگ بنی النضیر، ابن ام مکتوم و در جنگ خندق نیز ابن ام مکتوم، در جنگ ذات الرقاع، عثمان بن عفان و در جنگ بدر، ابولبابه بن عبدالمنذر] را در مدینه به عنوان جانشین خود قرار داده است. بنابراین، جانشین قرار دادن، مخصوص [امام علی علیه السلام] نبوده است و این جانشینی به معنای خلافت و رهبری [امام علی علیه السلام] برای امت اسلامی پس از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیست.^{۴۷}

جناب السالوس در ادامه سخنان خود می گوید: «[اصلاً] هارون علیه السلام بعد از موسی علیه السلام به

رهبری قوم اسرائیل نرسید، بلکه پس از حضرت موسی علیه السلام یوشع بن نون خلافت و رهبری بنی اسرائیل را عهده دار شده است.^{۴۸}

اما در پاسخ به این سخن سست تر از خانه عنکبوت، ذکر نکات زیر ضروری است:

۱. ارائه این استدلال قانع کننده نیست؛ چون همان گونه که در فصل گذشته گفته شد، حدیث منزلت علاوه بر قضیه جنگ تبوک در موارد و فرصتهای دیگر نیز توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است و این موارد شامل بیش از ده مورد می شود که روایات مربوط را در فصل دوم ملاحظه نمودید.

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگهای مختلف افراد مختلفی را در شهر مدینه قرار داده است که در این مورد می توان از جانشینی ابن ام مکتوم در جنگهای بنی نضیر و خندق و جانشینی عثمان بن عفان در جنگ ذات الرقاع و نیز از جانشینی ابولبابه بن عبدالمنذر در جنگ بدر نام برد. اما مسئله جالب اینکه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به هیچ کدام از افراد مذکور و نیز به استثنای علی بن ابی طالب علیه السلام به هیچ یک از اصحاب خود، چنین سخنی را نگفته و نسبت هیچ کسی را به خود، مانند نسبت هارون علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام بیان نکرده است. بنابراین، حدیث منزلت بر خلاف گفته جناب سالوس تنها بر فضل امام علی علیه السلام دلالت ندارد، بلکه به حتم بر ولایت و خلافت آن حضرت علیه السلام دلالت می کند.

۳. دکتر سالوس می گوید که اصلاً هارون علیه السلام پس از حضرت موسی علیه السلام به مقام رهبری بنی اسرائیل نرسیده است. وی با این سخن قصد دارد که خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله را مورد تشکیک قرار دهد و بدین وسیله ولایت بلا فصل آن حضرت علیه السلام را که از حدیث منزلت به خوبی به دست می آید، انکار نماید. اما غافل از اینکه ما هیچ گاه ادعا نکردیم منظور از حدیث منزلت، تشبیه کلی حضرت علی علیه السلام در همه زمینه ها به هارون علیه السلام است!

قرآن کریم می فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي...»^{۴۹} [هنگامی که موسی علیه السلام مأمور به مبارزه با فرعون شد] گفت: پروردگارا! من یک تن از آنان را کشته ام، می ترسم مرا به قتل برسانند و برادرم هارون زبانش از من فصیح تر است، او را همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق کند.

با توجه به این آیات، هیچ کس ادعا نکرده است که طبق حدیث منزلت، حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل حضرت موسی علیه السلام به جهت کشتن یک نفر از طرف مقابل از قبیله قریش ترس و واهمه داشته و نیز حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای زبان فصیح نبوده است!!! چون رسول خدا صلی الله علیه و آله افصح عرب بوده و در این مورد کسی جرأت رقابت با آن حضرت صلی الله علیه و آله را نداشته است. سخن

جناب سالوس در مورد پیامبر بعد از حضرت موسی علیه السلام نیز از همین قبیل است و در واقع نوعی مغالطه کاری به حساب می آید.

همان گونه که در ابتدای این فصل بیان شد، مهم ترین نسبت هارون علیه السلام به موسی علیه السلام، وزارت، برادری و بالاخره جانشینی او بوده است که در این مورد آیات نورانی قرآن کریم بسیار واضح و روشن است و نیازی به تفسیر و توضیح مفصل آیات مذکور نیست.

حدیث منزلت نیز بیانگر همین نسبتها برای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و اعمال هر گونه رأی و دیدگاه شخصی و گروهی و نیز بیان یک نظریه مغالطه آمیز در این مورد، در نزد خداوند متعال قابل بخشش نبوده و دارای عقاب بزرگی است.

خلاصه سخن اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام طبق حدیث منزلت و نیز بر اساس سایر ادله و براهین قطعی قرآنی، روایی و تاریخی، جانشین بلافصل رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و رهبر امت اسلامی پس از وفات آن حضرت صلی الله علیه و آله به حساب می آید.

فصل چهارم) نتیجه بحث و حقایق نهفته در حدیث منزلت

در فصلهای گذشته به طور فشرده در مورد حدیث منزلت سخن گفتیم و مطالب لازم را در این باره بیان کردیم. اما با توجه به اینکه پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله طبق دستور الهی و بر اساس حکمت و مصلحت سخن می گفت، از این رو کلمات و سخنان آن حضرت صلی الله علیه و آله دارای حقایق و دقایقی است و بدون شک حدیث منزلت از این سخن و ویژگی مستثنا نیست. ما با توجه به مطلب فوق، به طور اجمالی برخی از حقایق نهفته در حدیث منزلت را به عنوان نتیجه کلی از مباحث مطرح شده در اینجا بیان می کنیم و به سخن خود در این موضوع پایان می دهیم:

۱. مقام و منزلت امام علی بن ابی طالب علیه السلام

همان گونه که طبق آیات نورانی قرآن کریم، هارون علیه السلام وزیر، شریک، پشت و جانشین^{۵۰} حضرت موسی علیه السلام بود، امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز طبق ادله و شواهد متعدد و به ویژه بر اساس حدیث منزلت، وزیر، شریک، پشت و جانشین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بوده است.

۲. توضیحی در باره منزلت امام علی بن ابی طالب علیه السلام

هارون علیه السلام از نظر معنوی و الهی دارای مقامات بزرگ و به ویژه مقام نبوت بوده، ولی در عین حال برتر از حضرت موسی علیه السلام نبوده، بلکه با تبعیت از حضرت موسی علیه السلام، در عمل تابع شریعت موسوی بوده است. امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز طبق ادله و شواهد مختلف و اعتراف دانشمندان مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت، دارای مقامات بزرگ (علمی، معنوی، الهی و...) بوده است. ولی در عین حال از پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله برتر نبوده، بلکه خود را کمتر از حضرت محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله معرفی فرموده است. همان طوری که می فرماید: «وانا من رسول الله كالضوء من الضوء

طالع

شماره ۲۵ - بهار ۱۳۸۷

والذراع من العضد؛ من از رسول خدا مانند نور از نور هستم و مانند ساق از بازو می‌باشم.^{۵۱}

از طرف دیگر، بر اساس قسمت آخر حدیث منزلت، رسول خدا ﷺ ختم نبوت و پیامبری است. بنابراین، پیامبری هارون علی‌ه السلام در مورد امام علی بن ابی طالب علی‌ه السلام صدق نمی‌کند.

۳. منظور از برادری امام علی بن ابی طالب علی‌ه السلام

همان گونه که طبق آیات نورانی قرآن کریم هارون علی‌ه السلام برادر حضرت موسی علی‌ه السلام است،^{۵۲} امام علی بن ابی طالب علی‌ه السلام نیز برادر رسول خدا ﷺ محسوب می‌شود. البته منظور از برادری حضرت علی علی‌ه السلام با رسول خدا ﷺ، برادری خونی نیست، چون همه می‌دانیم که آن حضرت علی‌ه السلام با رسول خدا ﷺ برادر این چنینی نبوده‌اند. البته حضرت علی علی‌ه السلام پسر عموی رسول خدا ﷺ بوده‌اند و در این مورد هیچ شکی وجود ندارد.

اما منظور از برادری بین رسول خدا ﷺ و حضرت علی علی‌ه السلام، برادری معنوی و دینی است. چنان که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علی‌ه السلام در حدیثی می‌فرماید: «انا عبدالله و اخو رسوله و انا الصديق الاكبر لايقولها بعدى الا كذاب [مفتري] و لقد صليت قبل الناس بسمع سنين؛^{۵۳} من بنده خداوند و برادر پیامبر او هستم و من صدیق اکبر هستم که پس از من این سخن را جز کذاب [دروغگو] [و افتراگر] نمی‌گوید و همانا من در هفت سالگی قبل از مردم نماز خوانده‌ام.»

۴. امیرالمؤمنین امام علی بن ابی طالب علی‌ه السلام جانشین واقعی رسول خدا ﷺ

طبق آیه شریفه ۱۴۲ سوره مبارکه اعراف، هارون علی‌ه السلام در غیاب حضرت موسی علی‌ه السلام وظیفه انجام اصلاحات الهی را بر عهده داشت. حضرت علی علی‌ه السلام نیز پس از رسول خدا ﷺ وظیفه انجام اصلاحات الهی در بین امت اسلامی را بر عهده داشتند، ولی متأسفانه به جهت سهل انگاری امت اسلامی، انجام چنین وظیفه سنگین و بزرگ، دهها سال به تأخیر افتاد و پس از به خلافت رسیدن امام علی علی‌ه السلام، جنگها، اختلافات و عناد ورزیها و هوا پرستیهای داخلی، مانع از انجام حقیقی این وظیفه بزرگ الهی شد.

۵. ختم نبوت توسط رسول خدا ﷺ

طبق قسمت اخیر حدیث منزلت، نبوت و پیامبری با حضرت محمد ﷺ به پایان رسیده و پس از آن حضرت ﷺ هیچ پیامبری نخواهد آمد. در واقع پیامبر گرامی اسلام ﷺ با بیان قسمت اخیر حدیث منزلت که می‌فرماید: «الا انه لا نبي بعدى؛ یعنی جز اینکه پس از من هیچ پیامبری نخواهد آمد»، باب سوء استفاده افراد گمراه و غالی از حدیث منزلت را به کلی بسته است. چون همان گونه که می‌دانید، هارون علی‌ه السلام با وجود وزیر و پشت و جانشین بودن برای حضرت موسی علی‌ه السلام، خود پیامبر الهی نیز بوده است. همین مطلب ممکن بود مورد سوء استفاده گروهی از منحرفان باشد، ولی با درایت رسول اکرم ﷺ چنین شبهه‌ای به کلی از بین رفته است.

۱. ابوالنضر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی (م ۳۲۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تصحیح و تعلیق: السیدهاشم الرسولی المحلاتی، المكتبة العلمية الاسلامية، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۳۲ و ۱۵۳.
۲. شیخ صدوق، *الامالی*، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ پنجم، ۱۹۹۰، مجلس ۶۳، حدیث ۱۰، ص ۳۳۲.
۳. شیخ طوسی، *الامالی*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامية مؤسسة البعثة، دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، مجلس ۹، حدیث ۴۵، ص ۲۵۳.
۴. همان، ص ۳۳۳، مجلس ۱۲، حدیث ۷.
۵. *تفسیر القمی*، مؤسسه دارالکتاب، ج ۲، ص ۱۰۹، قم، ۱۴۰۴ق؛ محمدباقر المجلسی (م ۱۱۱۱ق)، *بحار الانوار*، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۸۳، ج ۳۸، ص ۳۳۴، حدیث ۷.
۶. السیدهاشم البحرانی (م ۱۱۰۹ق)، *غایة المرام*، تحقیق سیدعلی عاشور، مؤسسة التاريخ العربی، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۸۴، حدیث ۲۱. گفتنی است که سیدهاشم بحرانی در این کتاب، حدیث شریف منزلت را صد مورد از منابع اهل سنت و هفتاد مورد از منابع شیعه نقل کرده و سپس متواتر بودن آن را بیان نموده است. ن. ک: *غایة المرام*، ج ۲، ص ۲۳-۱۴۳.
۷. محمد بن اسماعیل البخاری (۱۹۴-۲۵۶ق)، *صحیح البخاری*، تحقیق: محمد محمود محمد، دارالکتب العلمية، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۱، کتاب فضائل اصحاب النبی، باب ۹، ص ۶۷۶-۶۷۷، حدیث ۳۷۰۶.
۸. *صحیح البخاری*، کتاب المغازی، باب ۸۰، ص ۷۹۴، حدیث ۴۴۱۶.
۹. مسلم بن الحجاج النیشابوری (۲۰۶-۲۶۱ق)، *صحیح مسلم*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۰، کتاب فضائل الصحابة، باب ۴، ص ۱۰۴۲، حدیث ۳۱. گفتنی است که مسلم نیشابوری این حدیث را در این باب با چهار طریق نقل کرده است.
۱۰. الحافظ ابو عبدالله محمد بن یزید القزوینی (۲۰۷-۲۷۵ق)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۵، (باب فضائل اصحاب رسول الله ﷺ)، ج ۱، ص ۵۴، حدیث ۱۱۵.
۱۱. ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره (۲۰۹-۲۹۷ق)، *الجامع الصحیح، سنن الترمذی*، (کتاب المناقب، باب ۲۱)، تحقیق: ابراهیم عطوه عوض محمد فوائد عبدالباقی و احمد محمد شاكر دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۵، ص ۶۴۱، حدیث ۳۷۳۱.
۱۲. الحافظ ابوبکر عمرو بن ابی عاصم الضحاک بن مخلد الشیبانی (م ۲۸۷ق)، تحقیق: محمد ناصرالدین الالبانی، المكتبة الاسلامی، بیروت، چاپ سوم، ۱۹۹۳، *کتاب السنه*، ص ۵۸۸، حدیث ۱۳۴۹.
۱۳. *کتاب السنه*، ص ۵۸۸، حدیث ۱۳۴۶. گفتنی است که عمرو بن ابی عاصم در این کتاب، حدیث شریف منزلت را با طرق مختلف و عبارات متعدد نقل کرده است. ر. ک: ص ۵۸۸-۵۸۹، احادیث ۱۳۳۱-۱۳۵۰.
۱۴. الحافظ ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب النسائی (۲۱۵-۳۰۳ق)، *خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*، تحقیق: محمد الکاظم المحمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق، ص ۵۳، حدیث ۲۴؛ ن. ک: ص ۳۴-۳۵، حدیث ۱۱-۱۲، ص ۷۶-۹۵، احادیث ۴۴-۶۳ و ص ۱۷۱-۱۷۲، حدیث ۱۲۶.
۱۵. الحافظ ابو عبدالله الحاكم النیشابوری (م ۴۰۵ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، (کتاب معرفة الصحابة، مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام)، دارالمعرفة، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۱۰۹.
۱۶. *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۱۰۹.

۱۷. ن. ک: عبدالحسین شرف‌الدین (م ۱۳۷۷ ق)، *المراجعات*، (الهوامش التحقیقیة)، تحقیق: الشیخ حسین الرازی، المجمع العالمی لاهل‌البيت علیہ السلام، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۶ ق، ص ۳۷۳-۳۷۵.
۱۸. ن. ک: *المراجعات*، الهوامش التحقیقیة (شیخ حسین الرازی)، ص ۳۷۳.
۱۹. گفتنی است دژ بلند و استواری که در کنار چشمه آبی ساخته شده بود و در کنار نوار مرزی کشور سوریه قرار داشت، تبوک نامیده می‌شد. سوریه در آن زمان از مستعمرات روم شرقی بود و اهالی آن نیز همگی مسیحی بودند. (ر. ک: *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۱۴، ص ۳۲۹، انتشارات مجلس شورا ملی، تهران، ۱۳۳۵ ش)
۲۰. شیخ طوسی، *الامالی*، ص ۲۶۱، حدیث ۱۲، مجلس ۱۰، *غایة المرام*، ج ۲، ص ۸۴، حدیث ۲۱.
۲۱. شیخ صدوق، *علل الشرایع*، مقدمه: سید محمد صادق بحر العلوم، منشورات المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۹۶۶، باب ۱۱۶، ص ۱۳۷-۱۳۸، حدیث ۵.
۲۲. شیخ طوسی، *الامالی*، ص ۵۰، مجلس ۲، حدیث ۳۴: *بحار الانوار*، ج ۳۷، ص ۲۵۴-۲۵۵، حدیث ۳. گفتنی است که کلمه داخل پراتر (من) فقط در *بحار الانوار* آمده است. و همچنین ن. ک: *بحار الانوار*، ج ۳۷، ص ۲۵۷، حدیث ۱۴.
۲۳. *بشارة المصطفی* علیہ السلام، ص ۱۴۷، عمادالدین طبری، کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۳ ق.
۲۴. *الامالی*، شیخ طوسی، ص ۵۳۰-۵۳۱، ج ۱۱۴۷، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. همان، ج ۲۸، ص ۳۳۴، حدیث ۷ و نیز ن. ک: همان، ج ۳۸، ص ۳۳۶، حدیث ۱۱ و ج ۳۸، ص ۳۴۲، حدیث ۱۸.
۲۶. شیخ صدوق، *الامالی*، ص ۸۶، مجلس ۲۱، حدیث ۱.
۲۷. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: شیخ حسین الرازی، *المراجعات*، الهوامش التحقیقیة، ص ۳۷۵.
۲۸. الحافظ ابوالحسن علی بن محمد الواسطی الشافعی (مشهور بن ابن مغازی) (م ۴۸۳ ق)، *مناقب علی بن ابی طالب* علیہ السلام، تحقیق: محمد باقر البهبودی، المكتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۴ ق، ص ۳۲-۳۳، حدیث ۴۹.
۲۹. *صحیح البخاری*، ص ۷۴۹، حدیث ۴۴۱۶: *صحیح مسلم*، ص ۱۰۴۲: *خصائص امیر المؤمنین* علیہ السلام، ص ۵۳، حدیث ۲۴۰۴: *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۱۰۹.
۳۰. الشیخ سلیمان القندوزی الحنفی، م ۲۹۴ ق، *ینابیع المودة*، ج ۱، باب ۶ ص ۶۰ و ج ۱، باب ۱۷، ص ۱۰۱ و نیز ن. ک: به: ابن عساکر الشافعی، *تاریخ دمشق*، تصحیح و تعلیق اعلاء الدین الاعلمی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۰.
۳۱. *ینابیع المودة*، ج ۲، باب ۵۶، ص ۲۶۱ (شیخ قندوزی در پایان این روایت می‌گوید: این روایت را امام علی بن موسی الرضا علیہ السلام نقل کرده است).
۳۲. الموفق بن احمد بن محمد المکی الخوارزمی (م ۵۶۸ ق)، *المناقب*، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۴۲، حدیث ۱۶۳: *ینابیع المودة*، ج ۱، باب ۷، ص ۶۵، *مجمع الزوائد*، ج ۹، ص ۱۱۱: *الکنجی الشافعی*، *کفاية الطالب*، ص ۱۶۸. (لازم به ذکر است که شیخ قندوزی این روایت را از زوائد المسند آورده است).

۳۳. *کنز العمال*، ج ۱۳، ص ۱۲۲-۱۲۳، حدیث ۳۶۳۹۲؛ *المناقب*، ص ۵۵-۵۴، حدیث ۱۹ (با کمی تفاوت)؛ *تاریخ دمشق*، ج ۱، ص ۳۲۱، حدیث ۴۰۱. (قابل ذکر است که طبق تصریح جناب هندی، این روایت را حاکم در کتاب *الکنز*، شیرازی در کتاب *الانقاب* و نیز ابن النجار آورده‌اند.)
۳۴. *المناقب*، ص ۳۹، حدیث ۷؛ *الفصول المهمة*، فصل ۱، ص ۳۸-۳۹. گفتنی است که جمله داخل پرانتز (لیس بعدی نبی) مربوط به نقل خوارزمی است. لازم به ذکر است که ابن صباغ این روایت را از کتاب *مناقب ضیاءالدین خوارزمی* نقل نموده است.
۳۵. *المناقب*، ص ۱۵۲، حدیث ۱۷۸؛ *کنز العمال*، ج ۱۳، ص ۱۰۵-۱۰۶، حدیث ۳۶۴۳۴۵؛ *ینایع المودة*، ج ۱، باب ۷، ص ۶۷ (با کمی تفاوت). لازم به ذکر است که شیخ قندوزی این روایت را از مسند احمد بن حنبل نقل و جناب هندی آن را از مسند زید بن ابی اوفی روایت نموده است.
۳۶. *المناقب*، ص ۱۴۰، حدیث ۱۵۹.
۳۷. همان، ص ۱۵۸، حدیث ۱۸۸؛ *مجمع الزوائد*، ج ۹، ص ۱۳۱؛ *کفایة الطالب*، ص ۲۶۴.
۳۸. *المناقب*، ص ۱۰۹، حدیث ۱۱۶؛ *کفایة الطالب*، ص ۲۸۴.
۳۹. ن. ک: *المراجعات*، الهوامش التحقیقیة، ص ۲۷۶-۲۷۷.
۴۰. ن. ک به: *مؤمنون*، ۴۸-۴۵؛ *مريم*، ۵۱-۵۳؛ *یونس*، ۷۵.
۴۱. طه: ۳۲-۲۹.
۴۲. فرقان: ۳۵.
۴۳. اعراف: ۱۴۲.
۴۴. *مفردات الفاظ القرآن*، راغب اصفهانی، ص ۸۶۷-۸۶۸، دارالقلم، دمشق، چاپ اول، ۱۹۹۶ م.
۴۵. کتاب *العین*، فراهیدی، ج ۳، ص ۱۹۴۶، انتشارات اسوه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴۶. علی بن محمد ابن احمد المالکی مشهور به ابن الصباغ (م ۸۵۵ق)، *الفصول المهمة*، انتشارات اعلمی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۴۴.
۴۷. دکتر علی احمد السالوس (استاذ الفقه و الاصول بكلية الشريعة جامعة قطر)، *عقيدة الامامة عند الشيعة الاثني عشرية*، دار الاعتصام، قاهره، چاپ اول، ۱۹۸۷، ص ۱۵۲.
۴۸. همان، ص ۱۵۳.
۴۹. قصص: ۳۲-۳۳.
۵۰. ن. ک: طه: ۳۲-۲۹.
۵۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.
۵۲. ن. ک: اعراف: ۱۴۲.
۵۳. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۵-۵۶، حدیث ۱۲۰؛ *خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*، ص ۲۹، حدیث ۷؛ عمرو بن ابی عاصم، کتاب السنة، ص ۵۸۳، حدیث ۱۳۲۴.